

فرصت های شیرین

هفته نامه دانش آموزی ۲۴

پیکر



فهرست مطالب

۳.....	مثل امام
۴.....	آیین سوگواری شهرهای مختلف ایران
۵.....	القاب امام مهربونم
۵.....	عموی من
۶.....	چه کنم تا پشیمان نشوم
۷.....	خانه ای را دوست دارم
۸.....	تو حر ما هستی
۹.....	بهترین کار بعد از نماز
۱۰.....	چراغ اسلام
۱۱.....	مهمانان امام مهربانم
۱۲.....	دستهای بخشنده
۱۳.....	حسین منی
۱۴.....	نامی از طرف پروردگار
۱۵.....	راههای مقابله با خشم
۱۶.....	جدول

پدید آورندگان

ضحی رضاخانی، فاطمه خورشیدی، فاطمه سادات
قاضی زاده، حلما آقا بابایی، زینب شاهرخ، زهرا
توحیدلو، فاطمه گودرزی، حسنا حاجی رحیمی،
الیانا غلامی، مطهره حیدری، حسنا غفاری، هستی
واعظی، نازنین زینب حیدری، مطهره رسولی

مثل امامم...

امام حسین یکی از مهربان ترین

امامان ما هستند

ایشان همیشه نماز هایشان را سر وقت

می خواندند

ماهم باید مثل امام حسین نماز هایمان را سر وقت بخوانیم

و به دیگران کمک کنیم و ایشان را الگوی خودمان کنیم

ایشان در راه خدا همه چیز هایشان را فدا کردند حتی

فرزند شش ماهه شان را، جانشان را هم از دست

دادند

هستی واعظی / پایه پنجم

آیین سوگواری شهرهای مختلف ایران

گل مالی لرستان: این مراسم بخصوص از صبح هفتم محرم شروع می شود، مردان این شهر ابتدا حمام می روند لباسهای تازه می پوشند سرتا پایشان را گلی می کنند و بعد عزاداری و نوحه سرایی و سینه زنی می کنند

چمر و چایینه ایلام: در آیین چمر زنان بر سر و سینه می زنند و آوای خاصی دارند و بعد اسب با خنجر و تفنگ که می آید گریه زنان بیشتر می شود
ایین چایینه هم مخصوص یاران امام حسین (ع) و خود امام حسین (ع) است که ترکیب غم و شادی است و نوحه سرایی زنان است

مراسم شاه حسین تبریز یا شاخسی: مردان یک زنجیره انسانی چسبیده به هم با دستان در کمر هم تشکیل می دهند با چوب در دست و حرکت چوب و نوای وای حسین حسینیه اعظم زنجان: این شهر پایتخت شور حسینی نام گرفته و هر روز محرم در این حسینیه مراسم هست اما مراسم ویژه شب نهم محرم (تاسوعا) است

نخل گردانی یزد: ظهر و غروب عاشورا به نشانه حمل تابوت امام حسین مردم چوب بسیار بزرگ تزیین شده با آئینه و شال های رنگی را حمل می کنند

آیین عزاداری ابیانه: مردم این شهر لباس سنتی می پوشند شب عاشورا آیین ذاکری دارند که ذکر مصیبت می خوانند و بعد فردا صبح مراسم پرسه دارند که در کوچه ها به راه می افتند و منزل کسی که تازه عزیز از دست داده می روند

تعزیه خوانی تفرش: تفرش مهد تعزیه در ایران است و قدیمی ترین نسخه تعزیه در این شهر است
نازنین زینب حیدری / پایه پنجم

لقاب امام مهربونم

عطشان، مظلوم، قتیل العبرات، سید الشهداء، ثارالله، قتیل الله
وترالله، خامس اصحاب کسا، وارث، موضع سر الله، الدلیل علی الله، مجاهد،
رشید، غریب الغربا، شاهد، حجت الله، خازن الكتاب المسطور، سفیر الله،
عابد، سید شباب اهل جنه، سفینه النجاه، امام مقتول، زکی، عبدالله، وصی
الله، قتیل الله، سبط پیامبر، آل الله، ابو شهید، ابو الاحرار، ابوالمجاهدین،
خامس آل عبا، وترالموتر، سلطان کربلا، قتیل اشقیاء، شهید، سریع العبره
حلما آقا بابایی / پایه چهارم

عموی من

زینب (س): رقیه ی عزیزم
که خسته ای تو از تب
بیا بخواب قدری
کنار عمه زینب
عمو در آسمانهاست
شده ستاره شاید
بخواب تا دوباره
به خواب تو بیاید

رقیه: پدر کجاست عمه؟
برادرم چرا رفت؟
عموی من ابو الفضل
بگو بگو چرا رفت؟
مگر عمو نمی گفت
که ای رقیه جانم
به بچه های تشنه
من آب می رسانم
چقدر تشنه هستم
چرا عمو نیامد؟
به خیمه ها دوباره
صدای او نیامد

فاطمه خورشیدی، پایه دوم

چه کنم تا پشیمان نشوم

روزی روزگاری مردی از اهل شام به مدینه سفر کرده بود در راه رسیدن به مدینه مردی را دید که در گوشه ی راهی نشسته بود مرد شامی پرسید: این کیست که در گوشه ی راه نشسته است؟ همسفر مرد شامی گفت: او حسین است پسر علی بن ابیطالب علیه السلام مرد شامی وقتی دید او حسین است خیلی خشمگین شد و هر حرفی که دلش خواست به امام حسین علیه السلام گفت امام ایستادند مرد فکر می کرد امام علیه السلام با او دعوا می کند یا مثل خودش حرف های بدی می زند اما امام این کار را نکرد و با مهربانی به مرد چند آیه از قرآن گفت و از او خواست که برای پذیرایی به خانه ی امام علیه السلام بیاید مرد از خودش خیلی ناراحت شد و می گفت: کاش این زمین شکافته می شد و من در زمین فرو میرفتم و این حرف ها را نمی زدم

مرد گفت: مرا ببخشید اگر حرف های ناگواری زدم

امام حسین علیه السلام گفتند: اشکالی ندارد ولی همیشه سعی کن خشم خود را کنترل کنی تا پشیمان نشوی

مطهره حیدری / پایه پنجم

خانه ای را دوست دارم

جابر می گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود گروهی بر امام حسین علیه السلام وارد شدند و گفتند یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله در خانه شما چیزهایی مشاهده می شود که با توجه به زهد پیشگی شما وجود آنها خلاف انتظار است "در منزل آن حضرت پستی ها و فرش های متنوعی دیده می شد"، امام علیه السلام فرمود: **ما مهر همسران خود را به آنها پرداخت می کنیم و آنها هر چه می خواهند از آن می خردند و چیزی از آنها متلق به ما نیست**

شعر امام حسین (ع) می فرماید

لَعَمْرُكَ إِنِّي لِأَحِبُّ دَارًا
تَحُلُّ بِهَا سَكِينَةٌ وَ الرَّبَابُ
أَحِبَّهُمَا وَ أَبْدُلُ جُلَّ حَالِي
وَ لَيْسَ لِلْأَثَمِي فِيهَا عِتَابُ

به جان تو سوگند! من خانه ای را دوست دارم که سکینه و رباب در آن باشند

آنها را دوست دارم و تمامی دارایی ام را به پای آنها می ریزم و هیچ کس نباید در این باره با من سخنی بگوید شعر مزبور، نشانگر ارتباط صمیمی امام با همسرش رباب و فرزندش سکینه است

حسنا حاج رحیمی / پایه چهارم



«تو حُر ما هستی»

حر بن یزید ریاحی در ابتدا یکی از دشمنان امام حسین (ع) بود که هنگامی که امام و یارانشان به سرزمین کربلا وارد شدند، آب را بر روی آنان بست. او تا روز دهم محرم در لشکر دشمنان امام حسین (ع) قرار داشت. اما با شنیدن سخنان امام که از مردم یاری می‌خواست و آن‌ها را از جنگ با خاندان پیامبر بر حذر می‌داشت، دگرگون و پریشان شد و به سمت امام حسین (ع) حرکت کرد، امام حر را در آغوش گرفتند و فرمودند تو حُر ما هستی. دشمنان برای انتقام به سوی حر حمله کردند. او توانست تعداد زیادی از دشمنان را به هلاکت برساند. اما در نهایت با زدن ضربه به اسب حر، او را به زمین انداخته و به شهادت رساندند

این نمونه ای از هزاران عفو و بخشش امام حسین علیه السلام می باشد
فاطمه سادات قاضی زاده / پایه سوم

بهترین کار بعد از نماز

از امام

حسین علیه السلام نقل است که از

رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم: بهترین کارها پس از

نماز، دل مؤمنی را شاد کردن است، اگر گناهی در کار نباشد

روزی غلامی را دیدم که با سگی غذا می خورد، علت را پرسیدم. گفت:

ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، غم زده هستم، می خواهم این سگ را خوش

دل ساخته تا خود دل خوش شوم، خواجه ای دارم که یهودی است و آرزومندم

که از او جدا شوم، حسین علیه السلام دویست دینار نزد خواجه برد، خواست بهای غلام

را پردازد و بخرد، خواجه به عرض رساند: غلام فدای قدمت و این باغ را هم بدو

بخشیدم و این پول را هم به حضرتت بازمی گردانم. حسین علیه السلام گفت: من

هم این مال را به تو می بخشم، خواجه گفت: بخشش تو را پذیرفتم و آن را به

غلام بخشیدم، حسین علیه السلام گفت: من غلام را آزاد می کنم و این

مالها را بدو می بخشم همسر خواجه که ناظر این نیکوکاری ها بود،

مسلمان شده، گفت: من هم، مهرم را به شوهرم بخشیدم

سپس، خواجه نیز اسلام آورد و خانه اش را به

همسرش بخشید

زهرا توحیدلو/ پایه چهارم

چراغ اسلام

روزی نافع بن ازرق که یکی از خوارج بود خدمت امام حسین(ع) رسید و گفت: خدایی که می پرستی را برای من توصیف کن امام حسین(ع) فرمودند
ای نافع هر کس دین خود را بر پایه قیاس بگذارد همواره عمر خود را به نابودی کشانده و تباه کرده
من خدایم را وصف میکنم
او به حواس درک نمیشود و به مردم قیاس نگردهد، نزدیک است ولی به چیزی چسبیده نیست
بلکه این دوری به ذات است، تجزیه و ترکیب در او راه ندارد و به نشانه ها شناخته میشود و به علامتها وصف، غیر از خداوند بلند مرتبه خدایی نیست
ابن ازرق گفت: چقدر نیکو است کلام شما، شما چراغ اسلام و ستارگان احکام هستید، یعنی از علم و دانش بسیاری برخوردارید

الیانا غلامی / پایه چهارم

مهمانان امام مهربانم

روزی امام حسین (ع) سوار بر اسب از محلی عبور می کردند، در راه چند فقیر بینوا و بیچاره را دیدند که بر روی عبای کهنه ای بر خاک نشسته و تکه های خشک نان در دست دارند و می خورند. آنها همین که چهره ی نورانی امام حسین (ع) را دیدند گفتند: "ای پسر رسول خدا بفرمایید و از این غذا بخورید." امام حسین (ع) فوری از اسب پیاده شدند و کنار آنها آمده و با کمال تواضع در کنار آنها بر خاک نشستند و با آنها از نان ها میل فرموده و آنگاه این آیه ی شریفه را تلاوت فرمودند: "إِنَّهُ لَا يَجِبُ (المستكبرين)؛ همانا خداوند متکبران را دوست نمی دارد / سوره ی نحل: آیه ی ۲۳

سپس بیان داشتند: ای دوستان! من دعوت شما را پذیرفتم. اینک نوبت شماست که دعوت مرا اجابت نمایید. امروز برای ناهار به منزل من تشریف بیاورید

فقیران خاک نشین دعوت امام حسین (ع) را پذیرفتند و همراه آن حضرت به طرف خانه حرکت کردند. امام حسین (ع) به خدمتکار خانه فرمود: هرچه غذا در خانه ذخیره کرده ای برای این مهمانان بیاور. پس سفره ای رنگین ترتیب دادند و به این ترتیب پذیرایی شایسته ای از ایشان به عمل آوردند

منبع: علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴

ضحی رضاخانی / پایه دوم

دست های بخشنده

نقل می کنند روزی مرد صحرانشین مستمندی وارد مدینه شد و از مردم سراغ بخشنده ترین فرد را گرفت. همه مردم حسین بن علی علیه السلام را به او معرفی کردند. وقتی در مسجد به خدمت آن حضرت رسید و نیازمندی خود را با خواندن چند بیت شعر بیان کرد امام حسین علیه السلام او را به خانه آورد و به قنبر فرمود: هر مقدار پول در خانه داریم حاضر کن. قنبر چهارهزار دینار به خدمت آن حضرت آورد و گفت: این تمامی پولی است که در اختیار داریم. امام حسین علیه السلام همه آن چهارهزار دینار را از پشت در به آن مرد بادیه نشین داد. منظور حضرت از این برخورد آن بود که چشم آن مرد به چشم او نیفتد که مبادا خجالت زده شود. مرد اعرابی وقتی پول ها را گرفت، در حالی که گریه می کرد چنین گفت: مگر پول کمی به من بخشیدی که از پشت در آن را به من می دهی؟ در عجبم که چگونه این دست های بخشنده و پربرکت روزی زیر خاک خواهد رفت

مطهره رسولی / پایه پنجم



حسین منی و انا من حسینی

زینب شاهرخ / پایه چهارم



1:10



3:36



روز سوم ماه شعبان سال چهارم هجرت دومین
فرزند برومند حضرت علی و فاطمه که درود خدا بر
ایشان باد در خانه ی وحی و ولادت چشم به جهان گشود
چون خبر ولادت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم رسید
به خانه حضرت علی و فاطمه علیه السلام اسماء را فرمود تا کودکش
را بیاورد. او را در پارچه ای سفید پیچید و خدمت رسول اکرم (ص) برد
آن گرامی به گوش راست او اذان و به گوش چپ او اقامه گفت. در
روزهای اول یا هفتمین روز ولادت با سعادتش امین وحی الهی جبرئیل
فرود آمد و گفت سلام خداوند بر تو باد ای رسول خدا این نوزاد را به نام
پسر کوچک هارون؛ شبیر؛ که به عربی؛ حسین؛ خوانده می شود نام بگذار.
و به این ترتیب نام پر عظمت "حسین" از جانب پروردگار برای دومین
فرزند حضرت فاطمه انتخاب شد

حسنا غفاری/پایه پنجم



۱. مدت امامت امام حسین (ع) چند سال بود؟ ۰-۴
۲. روز شهادت امام حسین (ع) چه نام دارد؟ ۵-۱۰
۳. امام حسین (ع) توسط چه کسی به شهادت رسیدند؟ ۱۱-۱۳
۴. رودخانه ای که لشکریان یزید آب آن را بر روی امام حسین (ع) بستند؟ ۱۴-۱۷
۵. نام اسب امام حسین (ع)؟ ۱۸ - ۲۵
۶. صدای ۲۳ حرف الفبا؟ ۲۶-۲۸
۷. نام دیگر کربلا؟ ۲۹ - ۳۳
۸. این جمله از کیست؟ ” محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است.“ ۳۴-۴۲

۳۰	۳۱	۳۲		
۲۹		۳۳		
۳۸	۳۷	۳۶	۳۵	۳۴

۳۹
۴۰
۴۱
۴۲

۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	
۱۱			۱۶	
			۱۷	
۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸

۲۸	۲۷	۲۶
----	----	----

۱	۲	۳			
۰		۴			
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵

فاطمه گودرزی / پایه چهارم